

5-22-1969

Kārawān, 1348-03-01, 1969-05-22

Abdul Haq Waleh

Ṣābahuddiṅ Kushkakī

Follow this and additional works at: <https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan>

 Part of the [Asian History Commons](#)

Recommended Citation

Waleh, Abdul Haq and Kushkakī, Ṣābahuddiṅ, "Kārawān, 1348-03-01, 1969-05-22" (1969). *Kārawān*. 272.
<https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan/272>

This Book is brought to you for free and open access by the Digitized Newspaper Archives at DigitalCommons@UNO. It has been accepted for inclusion in Kārawān by an authorized administrator of DigitalCommons@UNO. For more information, please contact unodigitalcommons@unomaha.edu.

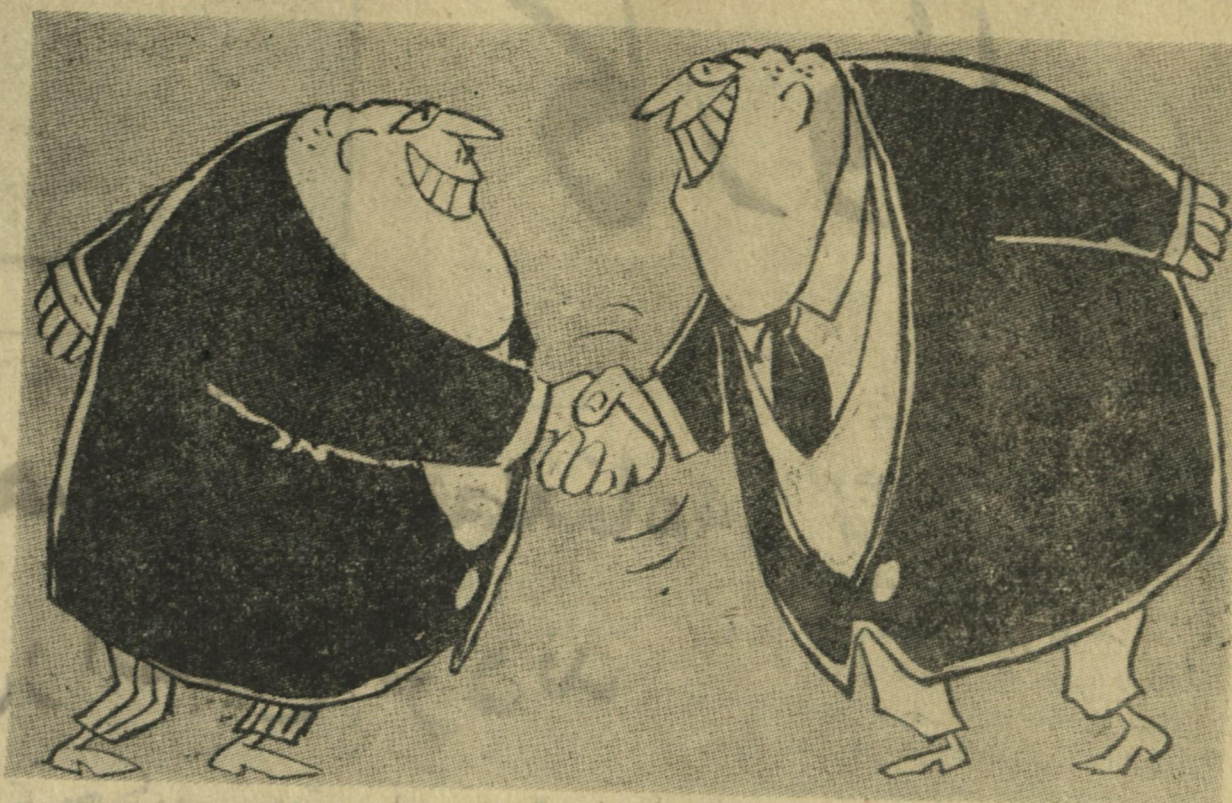


بغود کار بیکار نلغه ماو گاو پیر شما

روز نامه کاروان بدست و کتاب
تنبيه الفا فلون بزير بغل بود گيه
بنده خدا آمد، حالا آب بيار و
حوض را بر کن. همراي اين عبق
جل و زير، کي خو صله دارد که
پر کو ني کند. ناچار دم را هس
بلند شدم و سلام کردم.
بي مقدمه پر سيد آغا جان خي
داری نداری؟

جواب دادم ني با جان، آدم
بیکار چه خبر دارد؟ تو خبر داری که
صاحب کتاب و اخبار استی.
مثليکه منتظر چنين يك سر رشته
بود که فوراً گفت بلي قربان. درين
اخبار نوشته اند که مو تر پر از
کاو ميش بد رخت خورد و سه نفر
را کين را از دار فنا بدار بقا اعزام
نمود. اينهم عکس آن. واکر بر عکس
آن را ميخواهي هم براي تقدیم
ميکنم. اين را گفته و باز بين ورق
های کتاب تنبيه الفا فلون به
جستجو پر داخت. اندکی بعد تبسم
کنان مژده داد: يا فتم، بلي خودش
است و چنين خواند:

واما در باب گاو و گوسپند
آورده اند که از عجایب آخر الزمان
يکي آن با شد که کسی نفع و
نقص خود را بچشم ببيند و لسی
چاره را نخواهد و يا نتواند. مثلاً
اگر شما از راه مشرق بشهر شمشير
کابل جنت نظير با آب و هوای
دلپذير که نان نانايي هايش همه
خام و فطير است داخل شويد
ميبينيد که همراه با مو تر شما
روزانه لااقل ده مو تر لازي پر از
گاو های پير، بيمار و از لنگ مانده
که در بدن شان گوسپندي نسا شد
بلکه فقط بر استخوان شان پوستي
با شد، جانت کابل روان است همه
کو های هندوستان و پاکستان
و پشتوستان را پياده طی کرده
ولي از جلال آباد از سبب خستگي،
بيماري و ناتواني عذر آورده که در
قدم از قدم بر داشته نميتواند و
سو دا گران عزيز ما که همواره
بغم شکم ما و جيب خود تب و تلاش
دارند آنها را بلا ريهي بر داشته
و بکابل شريف و نخاس منيف
ميرسانند. اينجا ست که هر کدام
ايزين گاو های پير و زهير سرا پا
تقصير به قيمت ۷۰۰۰ تا ۸۰۰۰
افغانی بفر و ش ميرسد و
صد ها خانوادۀ بي خبر از همجارا
بامراض معده و روده و گوسپند
(بقيه در صفحه ۴)



از کاریکا تور

يك تيكه دار با تيكه دار ديگر مصافحه ميكند

م.ا.پ.

پرنسپ های انتخابات

می شود و طبعاً برای مطالعه و تتبع
تحصيلات شرط اول می باشد.
همچنین نمی توان انکار کرد که يك
نماينده تحصيل يا فته به معنی عام
آن از يك نماينده که تنها با خواندن
و نوشتن آشنا ست بيشتر ميتواند
خدمت کند و بيشتر موفق و
کامياب بوده به ملت استغاف ده
رسانده ميتواند.

ملفت بايد بود که در موارد
بالا بين مرد و زن هيچ نوع تفاوت
وجود ندارد. برای اينکه يك شخص
کا نديد شود بر علاوه شرايط اهم
نبايد شغل ديکری را در دواير رسمي
داشته باشد از اين است که شرط
گذاشته اند که اگر ما مو ترين
دولت اعم از کارکنان
قوا اجراييه يا قضائيه
بخواهند بصفت کا نديد عرض اندام
کنند می بايد قبل از ما مو ترين
خود استعفی داده باشند.

برای موفقيت در مبارزات
انتخابی با تي شرط است
نماينده مخصوصاً از قواي
اساسی و قانون انتخابات اطلاع
داشته باشد و مندرجات آنرا
بخوبی درک نموده بتواند آنرا به مردم
بفهماند. نان دادن يا صحبت از
ثروت و مکتب يا از پدر و پدرکلان
معيار ارزش کا نديد شده نميتواند
تکميل شرايط قانونی برای انتخاب
شدن خیلی لازمی و درخور هرنوع
اهميت است و نبايد آنرا سرسری
پنداشت. مبارزات انتخابی تي برای
اين لااقل دوماه از آغاز انتخابات
شروع ميشود که کا نديد بتواند
در کار خود موفق و کامياب گردد.

اند که عبارت است از:

۱- حداقل يكسال قبل از شروع
انتخابات تا بيعت افغانی را جانز
شده باشند.

۲- در سال انتخابات به سن
بيست رسیده باشند.
۳- از طرف محاکم يا به حکم
قانون از حقوق سياسی محروم
نشده باشند.

۴- از طرف محکمه مجبور يا
مجنون شناخته نشده باشند.

بنا بران هر گاه اسمای همچو
اشخاص در جداول منتشره انتخابات
وجود باشد، از طرف هر کسی
بالای آن اعتراض شده ميتواند و
کميته های انتخابات مکلف اند در
مورد رسيدگی و طبق قانون اجراء
بدارند. برای آنا نيکه بصفت انتخاب
شونده ميخواهند در انتخابات
اشتراک نمايند بعلاوه شرايط بالا:
۱- بايد ده سال قبل از شروع
انتخابات تا بيعت افغانی را جانز
شده باشند.

۲- خواندن و نوشتن را بدانند.
۳- سن بيست و پنج بر آي
عضويت در لسی جرگه و سن
سی را در عضويت برای مشرانو
جرگه پوره کرده باشند.

شروط اضافی برای انتخاب
شونده منطقی است چه برای اينکه
يك شخص بتواند جا معه خود را
تتميل کند و در مورد امور حياتی
جامعه بنام مردم اظهار رای بنمايد
بايد سالهای زيادی را در تابعيت
سپری کرده باشد تا بتوان حکم کرد
که او به جامعه يا بند بوده و در غم
و سرور آن شريك است و آنرا
ازان خود ميداند و يرا اين شخص
بصفت نماينده، ديگران، را تمثيل
می کند و تنها انتخاب کا نديد
موضوع بحث نيست.

همچنان خواندن و نوشتن برای
کا نديد يا ممثل يا نماينده ملت
کمال اهميت را دارد و به عقیده ما
خواندن و نوشتن تنها سواد محض
يعنی نوشتن يا امضاء در ذيل ورقه
نبوده بلکه بايد آنقدر فهم و ادراک
داشته باشد که بتواند نشرات
شعری و جرائد و روزنامه ها را
تعقيب کند.

در نظر من سواد يك چيز با لای
از تنها خواندن و نوشتن بوده
وايجاب يك اندازه تحصيل خصوصي
يا رسمي را می نمايد. ادراك مسايل
سياسی، اقتصادی و اجتماعي
امروزی در جوامع غامض حاليه
ايجاب می کند تا نماينده حد اقل
در اين موارد وارد باشد و بر آي
وارد شدن مسايل و موضوعات
لزوم مطالعه و تتبع حتمی دانسته

پرنسپ های ديگر يکه در
انتخابات سياسی در عموم قوانين
مربوط به آن پر خورده ميشود
عبارت از تعيين شرايطی است که
نظر به آن افراد يك جا معه به
صفت انتخاب کننده يا انتخاب
شونده بايد واجد آن باشند چنانچه
وصف آنکه اصولاً همه افراد جامعه
حق دارند تا از اين حق طبيعي خویش
بدون قيد و شرط و بدون تبعيض
مستفيد شونند، باز هم از نگاه حقوق
نمی توان آن را بصورت مطلق برای
همه آنا نيکه در اجتماع زندگی
دارند قبول نمود.

در هر اجتماع اشخاصی وجود
دارند که اصلاً يا به صفت مهاجر
موقتی يا به شکل سياح و غير
از يك اجتماع ديگر آمده و لهدا
مليت و تابعيت يك دولت ديگر
را دارا می باشند و اين کسان
دلچسپی ندارند در مبارزات سياسی
اشتراک ورزيده در سر نوشت
جامعه سپيم شونند. همانطور عده
افرا دی وجود دارند که از نگاه
سن، ذهن و شعور او شان آنقدر
منکشف نيست تا بتوانند در مسايل
غامض سياسی اظهار نظر کنند و
ما دامی که سن معين تر سیده
باشند امکان تميز خوب و بد در
اوشان سراغ نمی شود و همانطور
با وصف وجود افراد ديگر يکه
چندين شرط را واجد اندولی از نگاه
نتايج بعضی معاملات حقوقی يا از
لحاظ وضع بيو نو ريك و روحی نمی
توانند در مبارزات اشتراك کنند و
اين عدم اشتراك را هم قانون معين
کرده است.

بنابراي نمی توان به اتباع دول
ديگر، به اطفال کمتر از سن يکه
قانون معين کرده، به اشخاص
محکوم و مجسوس، به مجانين و
همچنان به آن اشخاص صيکه از نگاه
قانون با وصف محکوم نشدن به حبس
به مجازات سلب بعضی حقوق
محروم ميشوند اين حق را قايل
شد. از اين جا ست که در قانون
انتخابات قبل از همه برای آنا نيکه
در انتخابات بصفت انتخاب کننده
اشتراک می ورزند شرط گذاشته

شما در صفحه اول کاروان
تاريخی ۲۴ ثور در مورد ظاهرات
شاگردان لیسۀ اين سيناطوری
نوشته بوديد که گویا يکی دو نفر
متعلم جرات خفيف بر داشته و
باقی خير خيريست است در حال يکه
در باره لت خوردن پوسليس قلم
فرسانی کرده بوديد. در حال يکه
در شماره فر دای کاروان نوشتيد
۳۸ متعلم و ۹ پوليس زخمی شده
(بقيه در صفحه ۴)

د اميتياز خانند: صباح الدين کشکی
مسئول مدبر: عبد الحق واله
بی تعطيل له ورخو هره ورخو خير بزی
کالنی اشتراك: به کابل کبني ۳۰۰-افغانی
به ولاياتو کبني ۳۰۰-افغانی
به خارج کبني ۲۵ دالر
د یوی گنی بيه
پته نوی بنار، اشرف هوتل ته مخا مخ
تيلفون: ۲۳۳۷۸



افواهات ذهن مردم را معشوش میکند

در کشور ما از قرنهای گذشته نظر به اینکه مردم کافی با سواد
نبوده و وسایل مخابراتی (روزنامه، جراید و رادیو) وجود
نیامده بود، افواهات در حیات مملکت نقش مهمی داشت.
سرعت سیر افواه با وسایل مخابراتی نا هموار و منقطع بود
از تباطات خیلی زیاد بود و بمجرد يکه چيز امروز در کابل افواه ميشد
فردا به قند هار رسیده بود.

هر روز و قتی شخصی در بازار کسی را ميدید که به نظر او با خبر
و مطلع معلوم ميشد، به تریبی از تر تیب ها او را متوقف ساخته
خبر های تازه و سخنان روز را از او جویا ميگردید.

خبر های تازه غالباً مربوط به مقرری ها و بر طرفی ها می بود
که اگر چه به شخص جوینده تعلق خاصی نميگرفت باز هم مورد
دلچسپی عامۀ مردم ازین سبب بود که مثلاً مقرری يا بر طرفی يك وزیر
يك موضوع بسیار مهم تلقی ميگردید و بسا اوقات سر نوشت
يکی از نزدیکان جوینده بدست اين وزیر می افتاد.
دران روز های بیغمی سخنی از شوت های کلان و اختلاس های

فربه نبود.
ممکن بود يك نايب الحکومه از کسی کدام گلیم يا گو سفند بگيرد
اما قلعه يا باغ را قبول نميگرفت.

البته در اوقات ها مو تر بنز و جودنداشت تا تسلط او بر نفس نفیس
وی معلوم ميشد.
با وصف آن، مردم در بازار، مخصوصاً با زار تبادلۀ افواهات

که سر چوکه نامیده ميشد، را جمع
به فساد های اجتماعی که با وجدان
معشوری سازگار نداشت، نیز
صحبت ميکردند و آنچه را درين
باره شنیده می بودند، جستجو و
گریخته بيان مينمودند.

بعضی اوقات حکومت و قوت
بعضی خبر ها را که جنبۀ واقعی
نداشتند در افواه می افکند تا
عکس العمل مردم را در موضوعات
معین معلوم کنند.

در بعضی موارد اشخاص مهم
خود شان در باره تقرر يا تبدیلی
خود افواهی خلق ميکردند يا حين
صحبت با يک عده اشخاص بصورت
غير مستقیم چيز هایی ميگفتند که
به تقرر ایشان به کار های عمو
دلايت مينمود و اين افواه دهان به
دهان گردیده به آنجا ميرسيد که
منبع اقتدار بود.

منبع اقتدار که شاید تا اين
وقت شخص موضوع بحث را
فرا موش کرده بود دفعۀ باره
او بفکر شده يا تصميمی درين باره
ميگرفت يا اينکه موضوع را قابل
غور نداشته در طاق نسيان می
می گذاشت.

امروز که ما در پايانخت خود
چهار روز نامه حکومتی و سیزده
جریده و روز نامه غیر حکومتی
داريم، رادیوی ما روز ۱۴ ساعت
کار ميکند و با تلفون، تلگراف و
رادیو تلفونی با نقاط مختلف کشور
جهان ميتوانيم در تماس آئيم، نبايد
به افواهات موقع داده شود چه
مردم صاحب غرض در موارد خاص
گاه را به نظر ها گوه جلوه مينهند.

درين عصر که وسایل مخابراتی
دسته جمعی از نظر انکشاف به معراج
خود رسیده، حکومت ها همیشه در
موارد مهم نقاط نظر خود را به شکل
اعلاميه، مصاحبه و بيانيه به مردم
روشن می سازند و نميگذارند در
هيچ موضوعی که دارای اهميت
ملی باشد، ایشان در تاريکی
بمانند.

تاثير افواه در اذهان عامه هنوز
هم خیلی زياد است زیرا مردم خبر
نشر نا شده را از جمله اسرار و
دانسته به آن ارزش بيشتر قايل
ميگردند و اين وظيفۀ حکومت است
تا به چنين خبرها موقع ندهد از
يك گوچه به گوچه ديگر سفر
کند.

مرحوم واصل کابل

تملق فايده ندارد

در دل قرار نيست کسی را که يار نيست
آري چوپيار نيست دلي را، قبر از يست
گيرد چسان قبر از دل اندر کنار من
کافيه سروسرور مرا در کنار نيست
گويند ترک صحبت يار اختيار کن
واحسرتاکه در کف ما اختيار نيست
هر کس بکار خود گله دارد ز روزگار
جز بخت بد مرا گله از روزگار نيست
دارم ز دست طالع نا سازگار خویش
اين شکوه را که يار بمن سازگار نيست
ساقی بندو ربا ده مدار اروامدار
زيرا که دور چرخ فلک را مدار نيست
گاه ترانه هست نه وقت بهانه است
می در قدح بریز بعر اعتبار نيست
اندیشه از گناه مکن زانکه در جهان
نوميد کس ز رحمت پروردگار نيست
بيدا نشی است بستن دل را به عهد کس
عهدي بود که عهد کسی پايدار نيست
با هر که بود يکد و سه روزي قدم زديم
ديديم مرد راه يکی از هزار نيست
کردم بسی تملق و کس نا مدم بکار
واصل دگر بخلق تملق بکار نيست

(بقیه از صفحه ۲)

نلغه ماوگاو پیر شما

میگردانند. زیرا ریاست حفظالصحة کابل بنار والی و موسسه صحت عامه وزارت جلیله صحنه چو ن میبینند که هنوز شیر گاوی تصدی شیر فر و شی ریاست حفظ و مراقبت حیوانات وزارت زراعت و آبیاری در ساقه علف های مالچر ها ست و ماکیان های پروژه مرغ و تخم کرک نشده اند تا روی تخم بنشینند و چو چه کشی کنند و آن چوچه ها سر حاصل یعنی تخم دادن بیا بند، لهذا تصمیم گرفته اند تا بمنظور رفع احتیاج معده شهریان از معاینه این گاوی بیمار و آغشته بصد نا جوژی مدتی صرف نظر نمایند. تا همشهریان و هموطنان عزیزشان از شور بای گوشت گاو محروم نشوند. اینست که بازار گاو و میش مریض از پای مانده و بی قوت در کابل چو کست. و پارچه های مسلول آن که از دیدنش دل و درون آدمی شور میخورد به قیمت فسی پاو دوازده افغانی فراوان فروخته میشود و در خرید و فروش آن کسی را با کسی کاری نباشد.

ولی اگر از جانب مغرب بی بیت المعمور کابل آهنگ مسافرت نمایند و قتی با هزار دقت و بکار

مکا تیپ وار ده

(بقیه صفحه ۲)

است» در حالیکه از راپور او لی بر می آید که با دیدن پو لیس بیشتر و متعلم کمتر زخمی شده باشد. منظوم اینست که یک روزنامه به سوی کاروان در صفحات خود بیش از نظریه دادن و انتخاب کردن حقایق، یک واقعه را طوریکه واقع شده بنویسد. کاروان با وجودیکه حرکت متعلمین این سینا را در سر مقاله نا پسند و خلاف عنعنه افغانی خوانده بود با دیدن صفحه اول خود واقعه را می نوشت. کاروان نگوید که پو لیس خوب کرد یابد و همچنین متعلمین بلکه با دیدن راپور بدید که شاگردان چه کردند و پو لیس چه کرد؟ اگر روزنامه شما فقط در مورد ضربات متعلمین بالای پو لیس نوشته باشد و از حرکت کات شدید پو لیس بالای متعلمین خورد سال ذکر نه میکند و بعد در فر داتعداد متعلمین زخمی را بیش از چار چند پو لیسان زخمی بنویسد آیا مردم که به بیطرفی کاروان احترام دارند در قضایات خود تعجبیدنظر نخواهند کرد؟

اینجا نب در عین حالیکه از سر مقاله شما پشتیبانی میکنم توجه مزیدتان را به این نکته جلب میکنم که اگر شما حرکتی را محکوم میکنید فقط در صفحه سر مقاله و نظریات این کار را بکنید.

آخر شما زور نا لیست مسلکی هستید. باید به اصل دخیل تساختن نظریات و حسابات خودتان به راپور های خبری احترام بگذارید و همچنان به اصل مسوات که در تحکیم حیثیت روزنامه شما مفید و مشر است توجه و احترام داشته باشید.

امید است از نظریات بیطرفانه و بیغرضانه این خواننده همیشگی و خیر خواهان آن زرده خاطرنشده باشید.

با احترام س. پهلوان از شهاب الدین میدان

یادداشت اداره :

نویسنده محترم در باره موضوعات مسلکی اخبار نظریاتی داده اند که از نگاه ما چندان وارد نبود و امید است در یکی از مقالات بتوانیم در باره اصول مربوط به این چنین موضوعات توضیحات بدهیم.

شجاعان

باشتراک : گر یگوری پک، جون کالز، ستیفن باید. سینما سکوپ، لو کس کلر، محصول فوکس قرن بیست. تهیه کننده: هربرت، ب. سوپ دایرکتر: هنری کینگ محل نمایش: سینما آریانا

سنا ریوی فلم شجاعان توسط فلیپ جاردن که درین رشته سوابق و مهارت کافی دارد، بوجود آمده، ممزوجی از کراکترهای مغرور، انتقام جو، شکست خورده و پشیمان را بوجه شایسته ای تمثیل مینماید. جیم دگلاس مرد متهور یکهمسر زیبا بش (بوسینه دزدان) بطرز فجیع بقتل رسیده است، و اگر چه ای میشود که دزدان را دستگیر کرده اند و قرار است مطابق قانون* بدارشان بزنند، ولی برای اجرای این امر به یکنفر جلاز رسمی ضرورت دارند که باید از قریه مجاور برسد. میر غضب میرسد، و لی بجای تعمیم قانون دزدان را فرار میدهد و مردم قریه تازه ملتفت میشوند که این مرد کو تاه قد اصلا جزء دسته دزدان بوده است. آنگاه جیم دگلاس که خون انتقامش میجوشد دزدان را تعقیب کرده سه نفرشان را با شکار مختلف به قتل میرساند و موقع قتل چهارمین متوجه

نساجی عبدالروف مقصودی بافندگی منسوجات مخنی و سندی



ABDUL RAUF MAQSUDI TEXTILE MILLS KABUL

نساجی مقصودی محصولات جدید خود را تقدیم میدارد : کتان برنگ ها و جنسیت های مختلف، تکه های راهدار. هر نوع فرمایش را می پذیرد. نمایندگی فروش: سرای هزارگل دکان عارف و تمام دکانهای تکه فروشی کابل و ولایت.

آریانا فلز



آریانا فلز

مطبعة دولتی

سازنده بهترین اجناس

فلزی. مراکز فروش افغان

مارکیت و بریکوت.

تلفون ۴۲۷۳۳

۲۲۱۶۰

س. هنر آموز

تبصره هنری

سینما و ستارگان



صحنه از فلم شجاعان

میشود که اشتباه کرده قاتل مرغ مقلد» که برایش جایزه اسکار همسرش همان میر غضب تقلبی را از مغان داد، کمتر نبود. بوده است که در مرحله اول توسط ستیفن باید که چند ماه قبل در کلانتر قریه به کیفرش رسید. نقش قهرمان فلم «راه طو لانی» ظاهر شد، در قالب خصوصیات یک دزد قاتل خیلی موفق است و همچنان چون کالز هنر پیشه انگلیسی که در سال ۱۹۵۱ وارد جهان سینما گردیده است، در رول جوزفا بیعیب بازی میکند. این هنرپیشه که ۳۶ سال دارد، بزنهاو سباز که در سال ۱۹۴۳ با بازی در فلم «روزهای افتخار» معروف شد، قبل از فلم «تو پهای نا ورون» دیدیم که موفقیت وی از فلم «کشتن پسر دارد»

انتقام پسر سپار تا کوس



باشتراک. زاجرز برون، سکالا آوردند. قهرمان غیر مستقیم این گیل، سینما سکوپ محل نمایش سینما پارک شورشیان سپار تا کوس را که سپار تا کوس مرد انقلابی و مرده است از دارپایین می آورند مشهوریکه باعث شورش غلامان ولی برای آنکه قوای روحی دسته روم گردیده در سال ۷۱ قبل از میلاد مسیح با طغیانهای متفرق و محلی، جنگ سختی را در قسمت جنوب ایالت آغاز کرد و پس از مرگش نیز همین شورشیان بنام سپار تا کیستنها به مجادله و مبارزه میپرداختند و همچنان سلسله آنان در سال ۱۷۱۹ تحت فرماندهی کارول لیپ کشت و زوال و لکسمبورگ جنبشهای فرقه شورشیان مطلع شده در پی انتقام را خیال سو سیالیستان را بوجود می افتد و موفق میشود.

سامان برق بکار است

ریاست عمومی ارزاق ۱۵ قلم سامان برق را از بازار نرخ گرفته است مناقصه کنندگان بروز ۱۲ جوزا به مدیریت خدمات ریاست عمومی ارزاق مراجعه نمایند.

لیلام میشود

یک تعداد بوری، پیمهای خالی سامان آهنی، میز و چوکی و لوازم دیگر دفتر داری را لیلام میکند. علاقمندان بروز ۳ جوزا بر ریاست عمومی ارزاق مراجعه نمایند.

حداد از مدیریت مسؤل افغان ملت استعفا داد

با بعضی مواد شماره اخیر موا فی نیست

بنی غلی قد رت الله حداد که در نظر دارد خود را برای و لسی جرگه کاندید کند، از مدیریت مسؤل جریده افغان ملت اورگان نشراتی سو سیال دیمو کرات استعفا داده است.

هیئت تحریر افغان ملت بنی غلی حبیب الله رفیع را به حیث مدیر مسؤل آن جریده انتخاب نمود و موضوع را برای طی مراتب آن رسماً به وزارت اطلاعات و کلتور خبر داده است. بنی غلی حداد طی مکتوبی به عنوانی روزنامه کاروان نوشته علاوه کرده است: خبریکه را جمع به مرا سم تدفین مرحوم امان الله حیدری در شماره نهم جریده افغان ملت (۳۰ تیر) نشر شده بود از نظر اینجا نب نکند شته و به صلاحیت مدیر جدید بنی غلی حبیب الله رفیع نشر شده است. البته شکل خبر برای یک جریده ملی مناسب نبود. روزنامه کاروان چندی قبل طی مصاحبه با بنی غلی حداد گفته بود که ممکن است بنی غلی عزیز محسنی بعوض وی مدیر مسؤل افغان ملت مقرر شود و لی وی امروز توضیح کرد که هیئت تحریر افغان ملت بنی غلی رفیع را به این عهده انتخاب کرده است.

مکاتب کابل

تعطیل شد

قرار اطلاعاتیکه نامه نگار ما بدست آورده مکاتب ذکور و انان در کابل برای یک هفته تعطیل شد اند.

تذکر

کسانیکه اعلان نامزدی خود را به و کالت در و لسی جرگه یا عضویت در مشرانو جرگه به این روزنامه فرستاده اند یا میفرستند طبق اصولنامه انتخابات اعلان نام بعد از تاریخ معینی نشر خواهد شد.

اعلان بنی غلی غلام حیدر پنجشیری از طرف کاتب اداره سهواً قبل از موعد مذکور نشر شده است.

توضیح

در خبر مربوط به دستگیر شدن شاگردان انستیتوت اداره صنعت در شماره دیروز کاروان از قول پو لیس گفته شده بود که ۲۵ شاگرد آن اداره از طرف پو لیس دستگیر شده بود و لی داکتر غلام دستگیر عظیمی رئیس آن انستیتوت امر وز گفت که صرف سه نفر از شاگردان دستگیر شده بودند و بعد از دو روز رها شدند.

تصحیح

در اخیر ستون اول صفحه ۴ شماره دیروز متأسفانه یک سطر پس و پیش آمده برای فهمیده شدن مطلب جمله مذکور چنین خوانده شود : کارکنان جریده پکتیکا یادبعیات خود را در مراجع قانونی تو سعه ارائه اسناد به اثبات میرسانند یا اینکه مسوولیت افترا را با عواقب قانونی آن متحمل خواهند شد.